

## فرایندشناسی تاریخی باورمندی مسلمانان به نام مهدی از آغاز تا پایان عصر حضور (۲۶۰ق)

نعمت‌الله صفری فروشانی<sup>۱</sup>

رضا برادران<sup>۲</sup>

### چکیده

باور به مهدی، یکی از اشتراکات فرقه‌های اسلامی است که البته این فرقه‌ها در مصداق و جزئیات آن اختلافاتی با یکدیگر دارند. یکی از این موارد، مسئله «نام مهدی» است که در رخدادهای سده‌های نخست اسلامی نقش داشته است. بنابراین، بازشناخت باور مسلمانان به موضوع نام مهدی در بازنمایی ریشه‌ها و زمینه‌های حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در آن زمان ضروری خواهد بود؛ چنان‌که بررسی تاریخی باور به نام مهدی با رویکردی تطوری به ارائه تحلیل‌های واقع‌بینانه، از فرایند بسط اعتقاد اندیشه مهدی در جامعه اسلامی کمک می‌کند.

تحقیق حاضر با استفاده از منابع تاریخی، حدیثی و فرقه‌شناختی و بهره‌مندی از تحلیل داده‌ها می‌کوشد تصویری روشن از فرایند باورمندی گروه‌های مختلف مسلمان به نام مهدی ارائه کند. گویا این موضوع در میان شیعیان و اهل سنت با رویکردهای متفاوتی همراه بوده است. در این میان، گروه‌های مختلف شیعه و از جمله امامیه نیز تفاوت‌های دیدگاهی با یکدیگر داشته‌اند. حوادث سیاسی و میراث حدیثی پیامبر اسلام ﷺ در مورد مشابهت اسمی مهدی با خودش نیز در پیرنگ شدن برخی نام‌ها همچون «محمد» نقش داشت.

**واژگان کلیدی:** نام مهدی، مهدی باوری، عصر حضور، فرایند شناسی تاریخی.

nsafari8@gmail.com

۱. استادگرایش سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی العالمیه؛

۲. دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول)

r.baradaraan@gmail.com.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های مشترک در بیش‌تر گروه‌ها و فرقه‌های مسلمان، باور به مهدویت است که در احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ریشه دارد (موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ و بستوی، ۱۹۹۹). هرچند در میان همین فرقه‌ها، اختلاف‌هایی در جزئیات، از جمله مصداق و خصوصیات مهدی به چشم می‌خورد. این تحقیق بر آن است تا یکی از این جزئیات، یعنی «باورمندی به نام مهدی» را در گروه‌های مختلف مسلمان با رویکردی فرایندی بررسی کند.

ضرورت و اهداف بررسی چنین موضوعی را می‌توان در بازشناسی دقیق‌تر قرون نخستین اسلامی، با توجه به تأثیر باورها به ویژه اعتقادات مهدوی در حرکت‌ها و قیام‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین ارائه تحلیل‌های واقع‌بینانه از فرایند بسط باورمندی به اندیشه مهدی در جامعه اسلامی دانست؛ چنان‌که می‌توان با تحقیقاتی از این دست، به پیراستن اندیشه مهدویت از افزونه‌های نامعتبر و در مقابل ارائه پاسخی قانع‌کننده برای برخی شبهات مستشرقان در ریشه‌ها و رویش‌های باورداشت مهدویت کمک کرد.

قلمرو زمانی این تحقیق، از آغاز عهد اسلامی تا پایان عصر حضور ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و آغاز عهد غیبت در سال ۲۶۰ق، در نظر گرفته شده است. انتخاب این زمان بدان دلیل است که عصر حضور به عنوان بستری برای شکل‌گیری باورهای مهدوی امامیان برای عصر غیبت به شمار می‌رود؛ چنان‌که در میان غیر امامیان، اعم از اهل سنت و یا شیعیان در همین زمان جنبش‌ها و حرکت‌هایی تاریخی بر اساس نام مهدی شکل گرفته است. قلمرو مکانی نیز به حجاز و عراق محدود نیست و فرایند اعتقاد به نام مهدی در سراسر قلمرو اسلامی آن زمان رصد گردیده است.

در اعتقاد کنونی مسلمانان، اعم از شیعیان (صدوق، ۱۴۱۴: ص ۹۳، ۹۵؛ مفید، ۱۴۱۳الف: ج ۲، ص ۳۳۹، ۳۴۲، ۱۴۲۵: ص ۶۳ و موسوی زنجانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۲۲۱) و اهل سنت (احمدی، ۱۴۳۱: ص ۱۷۴)؛ مهدی با نام «محمد» شناخته می‌شود. سؤال اصلی این تحقیق آن است که آیا از ابتدا چنین باوری در اندیشه تمام مسلمانان به یکسان و به وضوح وجود داشته است و اگر جواب منفی است، باید به این پرسش، پاسخ داد که گروه‌های مختلف اسلامی در باورمندی به نام مهدی، چه فرایند و تطوری را تجربه کرده و احياناً با یکدیگر در این مسئله چه تفاوت‌هایی دارند؟



برای روشن‌تر شدن سیر تاریخی باورمندی مسلمانان به نام مهدی، می‌توان بین اهل سنت و شیعیان تفکیک کرد؛ چنان‌که شیعیان امامی و غیر امامی می‌توانند جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در عین حال توجه به این نکته ضروری است که به رغم جدا کردن این سه دسته در نوشتار، نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که این گروه‌ها در تاریخ، مانند دایره‌هایی متداخل، از یکدیگر تأثیر گرفته و بر همدیگر اثرگذار بوده‌اند. لذا برای کاویدن باورمندی امامیان به نام مهدی که مهم‌ترین بخش این نوشتار به شمار می‌رود، ناگزیر خواهیم بود سیر این باور را در میان غیر شیعیان نیز بررسی کنیم که از قضا آنان به موضوع نام مهدی در عصر حضور ائمه توجه بیش‌تری داشته‌اند.

بنابراین، در این مجال از فرایند و کیفیت باورمندی این سه دسته به نام مهدی در بازه زمانی تحقیق سخن گفته خواهد شد. به عبارت دیگر، تلاش عمده این تحقیق آن است تا با نگاه فرایندشناسانه و رویکرد تطوری به مسئله نام مهدی پردازد و در ترسیم نموداری از باورمندی گروه‌های مختلف اسلامی در باب باور به نام مهدی در محدوده زمانی تعیین‌شده سعی خواهد داشت.

بایسته گفتن است که در مورد این مسئله اثر خاصی تدوین نشده است. هرچند می‌توان پیشینه نزدیک به این موضوع را در سه دسته از آثار مشاهده کرد: نخست آثاری است که به حکم نام بردن از مهدی در امامیه پرداخته‌اند که از باب نمونه می‌توان به مقاله «تحلیل حدیث‌شناسانه حکم نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمد» (سلیمان، ۱۳۹۲: ص ۱۶۹-۱۸۹) و مقاله «حرام بودن یا جواز نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام «محمد» (بررسی دو دیدگاه حکیم میرداماد و شیخ حر عاملی قدس سرهما)» (میردامادی، ۱۳۹۳: ص ۷۳-۸۶)؛ اشاره کرد که البته در این آثار و یا دیگر نگاشته‌هایی که در ضمن بحث از مهدویت در امامیه به نام ایشان پرداخته‌اند؛ رویکردی تاریخی و فرایند‌شناسی به چشم نمی‌خورد.

دسته دوم به آثاری مربوط است که به وجود نام مهدی در میان اهل سنت و یا شیعیان غیر امامی پرداخته و گاه به جنبه‌های تاریخی این موضوع هم توجه کرده‌اند که می‌توان از مقاله «بازنمایی روایات صریح بخاری با یادکرد نام مهدی موعود در تاریخ الکبیر و بررسی سندی آن» (خانی، ۱۳۹۸: ص ۵-۲۲) و کتاب «جنبش حسنیان: ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی» از



محمدحسن الهی زاده و یا کتاب «عباسیان از بعثت تا خلافت» نگاشته محمدالله اکبری و همچنین مقاله «فرهنگ مهدویت در لقب‌های خلفای عباسی» (فاروق عمر، ۱۳۹۳: ص ۱۵۷-۱۸۴) یاد کرد. این آثار نیز تصویری از فرایند باور به نام مهدی را در میان غیر امامیان در این بازه زمانی به دست نداده‌اند.

دسته سوم، یعنی نگاشته‌هایی که با نگاه تطوری و فرایندی هم به مهدویت پرداخته‌اند، مانند کتاب «مکتب در فرایند تکامل» از سید حسین مدرسی طباطبایی و یا مقاله «گونه شناسی کارکردی مفهوم مهدویت با تکیه بر گزارشات تاریخی» (فرمانیان و قرائتی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۷-۱۶۶)؛ نیز به موضوع نام مهدی به صورت ویژه و اختصاصی پرداخته نشده است. لذا آثار یادشده ما را از قلم‌زدن در این باب بی‌نیاز نخواهد کرد.

#### ۱. فرایند اعتقاد غیر شیعیان به نام مهدی

در واکوی اعتقاد غیر شیعیان به نام مهدی، باید به دو حوزه توجه کرد: حوزه نخست، به کتاب‌های حدیث و همچنین ملاحم‌نگاری‌ها و فتن‌نویسی‌های اولیه اختصاص دارد و حوزه دوم به گزارش‌های تاریخی در باب نخستین مدعیان مهدویت و توجه به نام آنان در میان عامه مسلمان مربوط می‌باشد. اگر بخواهیم آثار حدیثی و همچنین کتاب‌های ملاحم و فتن را در مورد نام مهدی بررسی کنیم، به داده‌های قابل توجهی در باب نام مهدی می‌رسیم که او را همانم پیامبر (ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۵۸، ۲۶۰؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۹، ص ۳۲ و خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۸۷، ج ۳، ص ۱۰) و یا مشابه پیامبر ﷺ (خوارزمی، ۱۴۱۱: ص ۶۱-۶۳) و با تعبیر «یواطی»، یعنی موافق ایشان در نام (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۸۱-۸۲؛ ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۶۰؛ ابن منادی، ۱۴۱۸: ص ۱۷۸؛ دانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۱۰۵۴؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۱۳؛ ابی داوود، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۸۷؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۱۳۳، ۱۳۵، بَسْوَى / قَسْوَى، ۱۴۰۱: ج ۳، ص ۱۸۷ و ابونعیم، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۶۵) می‌داند. برخی گزارش‌ها نیز نام مهدی را به صراحت «محمد» دانسته‌اند (ابن منادی، ۱۴۱۸: ص ۲۷۲-۲۷۳ و ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۱۴).

درعین حال بر اساس گزارش‌های تاریخی، گویا نام خاصی برای مهدی موضوعیت نداشته و



حداقل می‌توان گفت که به مسئله نام در مورد نخستین نامزدهای مهدوی در میان اهل سنت و در قرن اول اهتمامی دیده نمی‌شود؛ چنان‌که موسی بن طلحه (م ۱۰۳) و همچنین عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱). از سوی عده‌ای به عنوان مهدی پنداشته می‌شدند که با پیامبر ﷺ مشابهت اسمی نداشته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۱۲۴ و برادران و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵-۲۵).

بایسته گفتن است که در مورد خود پیامبر ﷺ نیز ادعاهایی شبه مهدوی (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۴۹-۵۰)، از سوی خلیفه دوم، مبنی بر انکار مرگ ایشان صورت گرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۰۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۵۶۶ و مقدسی، بی‌تا: ج ۵، ص ۶۲-۶۳)؛ اما این، بدان معنا نیست که جبرانی برای مهدی‌انگاری رسول خدا ﷺ شکل گرفته است. البته شیخ مفید (م ۴۱۳) از فرقه‌ای با نام «محمدیه» نام برده است که مرگ پیامبر اسلام ﷺ را انکار کرده و به حیات ایشان قائل بوده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ پ: ص ۲۴۰-۲۴۱، ۳۱۴). به هر رو، حتی اگر ادعاهای مهدی‌انگاری پیامبر ﷺ را هم بپذیریم؛ به نظر می‌رسد که اسم در این جا موضوعیت نداشته است.

با در نظر گرفتن گزارش‌های تاریخی، شاید بتوان گفت که اهتمام عامه مسلمانان به نام مهدی با ظهور نخستین مدعیان مهدوی در میان شیعه گره خورده است. به عبارت روشن‌تر، وقتی زمره‌های مهدویت اولین نامزدهای مهدی، یعنی محمد بن حنفیه (م ۸۱) و به ویژه محمد بن عبدالله، ملقب به «نفس زکیه» (م ۱۴۵) در میان شیعه بالا گرفت (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۰۷ به بعد)؛ گویا توجه به نام مهدی در میان دیگر مسلمانان نیز بیش‌تر شد و از سوی عباسیان برای معرفی کاندیدایی با شرایط مشابه تلاش گسترده‌ای صورت گرفت که همان محمد بن عبدالله منصور، ملقب به مهدی عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹) است (ر.ک: فاروق عمر، ۱۳۹۳: ص ۱۵۷-۱۸۴ و فقهی زاده و صادقی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۵-۱۶۴). احتمالاً در همین زمان احادیث همنامی مهدی با پیامبر پررنگ شده و شاید همسو با برخی جریان‌های شیعی، متمم‌هایی چون همنامی پدر مهدی با پدر پیامبر نیز به این گزارش‌ها افزوده شد (موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷ و تجلیل تبریزی، ۱۴۲۵: ص ۷۷).

بنا بر آنچه گفته شد، موج مهدی‌گرایی در میان غیر شیعیان به اندازه شیعه پررنگ نبود و



منازعات قدرت، نقش پررنگی را در این زمینه ایفا می‌کرد؛ اما به هر رو، ظهور عباسیان و حسنیان، افق‌های جدیدی را در باب اهتمام به مهدی، به ویژه در مورد نام او در میان عامه مسلمانان باز کرد. چنان‌که موضوع اسم و برداشت‌های اعتقادی از آن، تنها در مهدی خلاصه نشد، بلکه گاه کلیشه‌های خاصی در حوزه نام که با اخبار پیشینی و پیشگویی‌ها ارتباط پیدا می‌کرد، مورد توجه و حتی استناد قرار می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به القابی چون «سفاح» و «منصور» (ر.ک: فاروق عمر، ۱۳۹۳: ص ۱۵۷-۱۸۴) و البته اسم «عبدالله» اشاره کرد.

در مورد اسم «عبدالله» باید گفت که این نام در اواخر عهد اموی گویی اهمیت بسزایی یافته است؛ چنان‌که اهتمام به اسم عبدالله را می‌توان در گفت‌وگوی مروان بن محمد (حک: ۱۲۹-۱۳۲) با یکی از اطرافیان در هنگامه نبرد زاب، یعنی آخرین نبرد مهم بین امویان و عباسیان مشاهده کرد. وی زمانی که متوجه شد فرمانده سپاه مقابل او، عبدالله بن علی (۹۵-۱۴۷) از نسل عباس است، احساس خطر کرد و اظهار داشت که سبب نادیده گرفتن پسر بزرگش، محمد یا عبدالملک و اختصاص جانشینی به پسران کوچک‌تر، یعنی عبدالله و عییدالله از آن روست که شنیده است قدرت به دست فردی به نام عبدالله خواهد افتاد (ابن قتیبه، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ طبری، ۱۹۶۷: ج ۷، ص ۵۶۳ و مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۵۹-۲۶۰)؛ همچنان که تعداد فرزندان با نام «عبدالله» در میان عباسیان فراوان بود، تا آن‌جا که علی بن عبدالله بن عباس (۴۰-۱۱۷)؛ نام سه پسر (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۲۳۹؛ زبیری، ۱۹۹۹: ص ۲۹ و بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۷۲) و محمد بن عبدالله بن علی (۱۲۵م) نیز نام دو پسر خود را «عبدالله» گذارده بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۸۱-۳۸۲ و طبری، ۱۹۶۷: ج ۱۱، ص ۶۴۵)؛ در عین آن‌که اسامی‌ای که با حرف عین شروع می‌شد، مورد توجه بود و چنین مشهور شده بود که عین پسر عین مروان را خواهد کشت (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۶۰). بعدها گویی منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) نیز به این مسئله واکنش نشان داده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۴ و ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۸، ص ۱۰۹) است (ر.ک: الله اکبری، ۱۳۸۱: ص ۸۰-۸۱).

به هر رو، تا نیمه قرن سوم که محدوده این تحقیق را فرامی‌گیرد و حتی تا پایان این سده، مدعی قدرتمندی برای تصدی عنوان مهدی در میان اهل سنت ظهور نکرد. از آن‌جا که شاید نتوان ادعای مهدویت برای ابومسلم (۱۳۷م) (ر.ک: نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۴۶-۴۷؛ مسعودی،



۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۹۳ و ر.ک: مقدسی، بی تا: ج ۴، ص ۳۰-۳۱، ج ۶، ص ۹۴-۹۵؛ و یا برخی جنبش‌های سفیانی، نظیر علی بن عبدالله (محدود ۲۰۰) از نوادگان خالد بن یزید (۸۵ م بعد) را که با ادعای مهدویت هم‌گره خورده‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۴۳، ص ۳۱)؛ به عنوان گزینه‌های جدی مهدوی بررسی کرد.

لذا در یک نمودار فرضی می‌توان گفت که در آثار حدیثی، همنامی مهدی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی نام «محمد» از ابتدا به صورت پررنگ به استناد احادیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد؛ اما گزارش‌های تاریخی از بی‌اهمیتی نام مهدی در قرن نخست و سپس پررنگ شدن اسم محمد در میان اهل سنت، به ویژه با ظهور مهدی عباسی حکایت دارد. چنان‌که این رویه بعد از خلافت مهدی البته با نمودی کم‌تر ادامه یافته است. از آن‌جا که بعدها مدعیانی با نام‌های دیگر در میان اهل سنت ظهور کردند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱)؛ اما تأثیر داده‌های روایی و حوادث تاریخی در این دوران سبب شده است که در اعتقاد امروزی اهل سنت به مهدی، نام «محمد بن عبدالله» برجسته باشد؛ تا آن‌جا که بعضی بر این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند (احمدی، ۱۴۳۱: ص ۱۷۴).

## ۲. فرایند اعتقاد شیعیان به نام مهدی

در مورد باورمندی شیعیان به نام مهدی، نمی‌توان به نام مشخص و مشترکی رسید؛ چنان‌که گوناگونی نامزدهای مهدوی در این دسته، خود گواهی بر این ادعاست. در عین حال، باید دید که آیا احادیث همنامی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مهدی که در بخش گذشته بدان اشاره شد، برای شیعیان اهمیتی داشته و یا نمود تاریخی یافته‌اند یا خیر؟ و آیا در این میان فرایندی را هم تجربه کرده‌اند؟ برای پاسخ به این سوالات لازم است شیعیان غیر امامی و سپس شیعیان امامی به تفکیک مورد بررسی قرار گیرند.

بایسته گفتن است که قبل از پرداختن به این دو دسته باید مراد از «امامیه» و «شیعیان امامی» در این جا مشخص شود. گذشته از تعریف امامیه در دو عرصه خاص و عام (ر.ک: عالمی و صفری فروشانی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۶-۱۲۳)؛ منظور از شیعیان امامی در این پژوهش، شیعیانی هستند که به سلسله امامان تا عهد خود با توجه به نص معتقد بوده و ضمن پذیرش امام فعلی،



برای پذیرش امامان بعدی با توجه به سخنان امام حاضر زمینه لازم را داشته‌اند. به بیان دیگر، قصدی برای توقف در امام کنونی را ندارند. با این تعریف می‌توان گفت که منظور از امامیان در پژوهش پیش‌رو، شیعیانی هستند که با تمسک به ائمه علیهم‌السلام جذب جریان‌های شیعی دیگر همچون کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، غلات و دیگران نشدند و بر پیروی از امامان علیهم‌السلام پای فشرده و در زمانه حضور به توقف بر امامی قائل نگشتند. این شیعیان بعدها و با تکمیل تعداد ائمه علیهم‌السلام با نام «شیعیان اثناعشری» شناخته می‌شدند.

## ۱-۲. شیعیان غیر امامی

در باب باورمندی شیعیان غیر امامی در مورد نام مهدی، باید دسته‌های گوناگون آنان تفکیک شوند؛ یعنی حداقل لازم است در مورد چهار جریان اصلی شیعه غیر امامی یعنی کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و واقفه در این دوران و در باب نام مهدی به اجمال سخن گفت.

«کیسانیان» نخستین گروهی هستند که برای مهدی موعود در احادیث نبوی، مصداقی مشخص یافته و آن را در قامت محمد بن حنفیه دیدند (ر.ک: وداد قاضی، ۱۹۷۴). بنا بر دیدگاه برخی از محققان، همان‌امی ابن حنفیه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زمانی برای کیسانیان اهمیت یافت که به رقابت‌های ایدئولوژیک با دیگر گروه‌های مهدی‌گرا، به ویژه حسنیان وارد شدند. در این زمان بود که اهمیت اسم در میان کیسانیه پررنگ شد و مشابهت در اسم و کنیه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به عنوان یکی از امتیازات مهدوی محمد بن حنفیه به شمار رفت (وداد قاضی، ۱۹۷۴: ص ۲۲۷)؛ هرچند گویی همین باور به صورتی یک دست در تمام جریان‌های کیسانیه دنبال نمی‌شد؛ زیرا گذشته از جریان‌های غالی، ادعای مهدویت برای ابوهاشم، یعنی عبدالله بن محمد بن حنفیه (م حدود ۹۸) (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۳۱، ۳۳-۳۴؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۲۷ و مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۹۷)؛ نیز در تضاد با باور به مشابهت اسمی مهدی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داشت.

«زیدیان» نیز در باورمندی به نام مهدی، گویی با فراز و فرودهایی همراه بوده‌اند. از آن‌جا که اولین زمره‌های مهدوی در زیدیه که با خود زید بن علی (۸۰-۱۲۲) شروع شد (ر.ک: بارانی، ۱۳۹۶: ص ۴۹-۷۶)؛ طبعاً به مشابهت اسمی مهدی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهمیتی نمی‌داد؛ اما نقطه عطف در این گروه که اتفاقاً بر دیگر جریان‌های مهدوی هم عصر نیز بسیار اثرگذار بود؛ به





مهدویت «محمد نفس زکیه» برمی‌گردد. اهمیت مشابهت اسمی با پیامبر ﷺ و سپس مشابهت در نام پدر، به عنوان مهم‌ترین کلیدواژه در مهدویت «پسر عبدالله بن حسن مثنی» (م ۱۴۵) به شمار می‌رفت (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۰۷ به بعد)؛ تا آن‌جا که و داد قاضی، یکی از محققان معاصر، به نقل از مستشرق آلمانی «تیلمن ناگل»<sup>۱</sup> مدعی است که قبل از هواخواهان نفس زکیه، مشابهت اسمی با پیامبر در طرح ادعای مهدویت اهمیتی نداشت (و داد قاضی، ۱۹۷۴: ص ۲۲۷)؛ اما با مرگ محمد، گویی تب نام‌گرایی نیز در میان زیدیان رو به کاهش گذاشت؛ هرچند هنوز ردپاهایی از این گرایش در اواخر قرن دوم به چشم می‌خورد؛ از آن‌جا که در ادعای مهدویت برای پسر امام صادق علیه السلام، یعنی «محمد بن جعفر»، ملقب به «دیباچ» (م ۲۰۳) تا حدی ردپاهایی از این اعتقاد به چشم می‌خورد.

در توضیح باید گفت که فرقه‌ای با نام «شمطیه» (مفید، ۱۴۱۳ پ: ص ۳۰۶ و حمیری، ۱۹۷۲: ص ۱۶۳) که آن را گاه با نام سمطیه (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۷۷)؛ شمیطیه (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۷) و سمیطیه (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۷ و اشعری، ۱۹۸۰: ص ۲۷) نیز خوانده‌اند؛ پیروان فردی به نام «یحیی بن ابی شمیط» (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۷) یا سمیط (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۷۷ و اشعری، ۱۹۸۰: ص ۲۷) هستند که ادعا می‌کردند بعد از امام صادق علیه السلام، امامت به محمد بن جعفر و فرزندان او اختصاص دارد و دلیل آن را حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌دانستند که وقتی محمد در کودکی و در برابر دیدگان پدر به زمین خورد؛ امام بلافاصله او را از زمین بلند کردند و بعد از دلجویی از او، سخن از پیشگویی امام باقر علیه السلام به میان آوردند که ایشان به امام صادق علیه السلام گفته بود: وقتی فرزندی از شما شبیه من به دنیا آمد، نام و کنیه مرا بر او قرار بدهید که او شبیه من و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بر همان سنت خواهد بود (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۷۶-۷۷ و اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۶). البته این پایان کار نبود؛ چرا که ادعای امامت برای محمد گاه با ادعای مهدویت هم تلفیق شده است؛ بدین معنا که برخی معتقدند شمطیه دل به ظهور موعود در میان فرزندان دیباچ بسته بودند (اسفراینی، بی‌تا: ص ۳۳) و بنابر نقلی متأخر، محمد را همان مهدی موعود می‌دانستند (عبدالرزاق عقیفی، ۱۹۹۹: ص ۳۴).

1. Tilman Nagel.

به هر رو، گویی نامزد بعدی مهدی در زیدیه، یعنی «محمد بن قاسم» (۲۱۹م) چندان به سبب نامش مهدی خوانده نمی‌شد، بلکه نوع مرگ او بود که سبب شد ادعاهای زنده بودن و مهدی انگاری او قوت بگیرد (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۶۵). عدم اهتمام به مشابهت اسمی مهدی با پیامبر ﷺ، در آخرین نامزد مهدوی زیدیان در این دوران، یعنی «یحیی بن عمر» (۲۵۰م) به‌طور آشکارا دیده می‌شود و مهدی انگاری او به سمت شاخصه‌های دیگری مثل علائم الظهور رفته است (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ص ۲۵۲؛ مویدی، ۲۰۰۷: ص ۱۵۰؛ ر.ک: طبری، ۱۹۶۷: ج ۹، ص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۳۲۸ و ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۷، ص ۱۲۷).

بایسته گفتن است که اهتمام به اسم در میان زیدیان پس از نفس زکیه البته نه به‌عنوان مهدی، بلکه به‌عنوان موعودی اثرگذار در برخی اتفاقات، در پاره‌ای از گزارش‌های ملاحم موردتوجه قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به اخبار مرتبط با «یحیی بن حسین» (۲۹۸م) امام و حاکم زیدی در یمن مراجعه کرد (ابن بدرالدین، ۱۴۲۲: ص ۴۶۵-۴۶۶).

اسماعیلیه را شاید نتوان در گستره زمانی این تحقیق، یعنی در عهد حضور معصومان علیهم‌السلام به عنوان مدعی قدرتمند مهدوی به حساب آورد؛ زیرا اسماعیلیان در انتهای قرن سوم بود که از دوره غیبت به دوره آشکار قدم گذاشته و ادعاهای آن‌ها و ازجمله مهدویت به صورت جدی مطرح شد. به هر رو، ادعای مهدویت برای اسماعیل (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۶۷-۶۸؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۰؛ مفید، ۱۴۱۳پ: ص ۳۰۵) و سپس پسرش، «محمد» (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۷۲؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۸۳ و حمیری، ۱۹۷۲: ص ۱۶۲-۱۶۳)؛ نشان می‌دهد که آن‌ها نیز اسم خاصی را برای مهدی حداقل در ابتدای کار در نظر نمی‌گرفتند (ر.ک: محمداف، ۱۳۹۰: تمام کتاب).

آخرین گروه غیر امامی که اتفاقاً حضور قدرتمندی را در عرصه مهدویت و در شیعه در خلال قرن دوم و سوم تجربه کرده‌اند، «واقفیه» هستند. به رغم وجود اختلافاتی در باورمندی واقفیان به مهدویت امام کاظم علیه‌السلام، آن‌ها در یک ادعا هم داستان بوده و آن باور به قائم بودن امام هفتم، یعنی موسی بن جعفر علیه‌السلام است (ر.ک: ناصری، ۱۴۰۹: تمام متن). آنچه در این جا به صورت آشکار دیده می‌شود، عدم توجه به مشابهت اسمی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ اما این‌گونه هم نیست که واقفیان به مسئله نام قائم اهمیتی ندهند؛ بلکه آن‌ها گویی در مواجهه با دیگر



جریان‌های مهدوی و از جمله امامیه تلاش کرده‌اند برای اسم امام هفتم، یعنی «موسی»، جنبه‌ای مهدوی بتراشند و روایاتی را در این زمینه ارائه کنند که امامان پیشین، برآمدن فردی همنام با موسی بن عمران عليه السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴-۴۷) و یا با اسم رمزهایی چون «فالق البحر» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶)؛ یعنی شکافنده دریا و یا «حدیة الحلاق» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۱۳ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶)، یعنی تیغ اصلاح‌کننده و یا سر تراش (ابن سیده، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۶ و زمخشری، ۱۹۹۶: ج ۲، ص ۳۹۴)؛ به نام موسی، رنگی مهدوی ببخشند. آن‌ها در ادعایی جالب توجه در مواجهه با روایاتی که نام «محمد» را برای مهدی پیرزنگ می‌کند، حتی چنین گفته‌اند که امام صادق عليه السلام پسرش، موسی را با نام‌های «احمد» و «محمد» یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۵۷). این مسئله نشان می‌دهد که گویی نام «محمد» چنان اهمیت یافته است که واقفه مجبور شده‌اند چنین مسئله عجیبی را مطرح کنند.

به هر رو، به نظر می‌رسد که در جریان‌های موعودگرای شیعی در بخش غیر امامی، به غیر از مقطع ظهور نفس زکیه مسئله نام اهمیت زیادی نداشت؛ یعنی نام خاصی برای مهدی چندان ضروری نبود. حتی در جریان‌های نزدیک به شیعه مشابهت اسمی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ادعای مهدویت در آن دوران اهمیتی نداشت؛ چنان‌که این مسئله را می‌توان در ادعای مهدویت برای قیام «علی بن محمد بن عبدالرحیم» (م ۲۷۰)، ملقب به «صاحب زنج» (ر.ک: احمد العلی، ۲۰۰۶ و آژند، ۱۳۶۴)، مشاهده کرد (قاضی عبدالجبار، ۲۰۰۶: ج ۲، ص ۳۴۱).

## ۲-۲. شیعیان امامی

در بازخوانی اندیشه امامیان نسبت به نام مهدی، در همان ابتدا باید به گنجینه ارزشمند روایات این باب اشاره کرد. به عبارت واضح‌تر، داده‌های روایی در مورد نام مهدی و عناوین مشابهی همچون «قائم» را نمی‌توان دست‌کم گرفت. در منظومه‌های نخستین حدیثی شیعه، روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام در دست است که نام مهدی را همان نام رسول خدا و یا مشابه (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۵؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ص ۳۲۰، ۳۳۹، ۳۷۸، ۳۹۳، ۳۹۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۴، نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۹-۱۲۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۹۳، ۲۳۱ و صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۸۶، ۲۸۷،



ج ۲، ص ۴۱۱؛ با این تفاوت که از متمم‌هایی چون مشابَهت با نام پدر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبری نیست. این مسئله در مجموعه‌های روایی اهل سنت بازتاب گسترده‌ای داشته است (ر.ک: ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰؛ ابن منادی، ۱۴۱۸: ص ۱۷۷ - ۱۷۸؛ ر.ک: ابن ابی شیبَه، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۱۳؛ بزار، ۱۹۸۸: ج ۴، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۲۳۶ و طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۱۳۳، ۱۳۵، ج ۱۹، ص ۳۲) و به جای آن بر کنیه مشترک تکیه شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۹-۱۲۰؛ قاضی نعمان، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۸۸ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۶، ۲۸۷، ج ۲، ص ۴۱۱). البته این موارد، غیر از روایات و یا گزارش‌هایی است که بدون اشاره به مشابَهت از کنیه «ابوالقاسم» برای مهدی سخن می‌گویند (ر.ک: سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷۶۳؛ آشکارا از نام «محمد» برای مهدی سخن می‌گویند (ر.ک: سلیم بن قیس، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۷۶۳؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ص ۳۵۸، ۳۶۱، ۴۲۷؛ خزاز، ۱۴۰۱: ص ۸۰، ۱۵۳ و صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۸۵).  
 به رغم داده‌های حدیثی فراوان در مورد نام مهدی که تا حدی در بند قبل بدان اشاره گردید؛ چندین مسئله سبب شده است که موضوع نام مهدی به روشنی آنچه از خوانش روایات برمی‌آید، در تاریخ امامیه و در عصر حضور ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام مشخص نباشد و شاید همین مسائل سبب شده بود که امامیان گاه از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در مورد نام مهدی سؤال کنند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۱، ۲۸۸ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۳۳) و حتی با پایان عصر حضور اطلاعات روشنی در این باب به دست نیاورده باشند؛ تا آن‌جا که بزرگ‌ترین مهدی نگاران عصر غیبت هم بر این مسئله صحه گذاشته‌اند؛ چنان‌که صدوق (م ۳۸۱) خود به این مسئله معترف است که ممکن است برخی از امامیان از نام تک‌تک ائمه مطلع نبوده‌اند (صدوق، ۱۳۵۹: ص ۷۴ - ۷۵). از این صریح‌تر، آن‌که نعمانی خود به این مسئله تصریح می‌کند که در زمانه‌ای قرار دارد که بسیاری از مردم در باب شناخت نام و نسب امام خود با دشواری‌های بسیاری مواجه هستند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۰).  
 این مسائل بدین قرارند:

۱. امامیان برخلاف دیگر مذاهب که معمولاً با انتخاب نامزد مهدی خیلی سریع وارد عرصه جدیدی شده و چالش‌های متناسب با مهدویت را در پیش‌رو می‌دیدند؛ چندان در مورد مهدویت اشتیاق و آرزومندی از خود نشان نداده‌اند که این رویکرد، شاید به سبب حضور امام معصوم است. آنان با پیروی از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام بر اساس تعالیم آنان عمل می‌کردند و البته بزرگ‌ترین آرزوی



آن‌ها این بود که امام به قیام دست بزند و چشم‌انتظاری آنان برای امری که در انتظارش بودند، با قیام صاحب امر به انتها برسد و سرانجام قائمی از میان امامان به پا خیزد (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۶۸، ۵۳۶، ج ۸، ص ۸۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۹۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۸-۲۰۹، ۲۱۵، ۲۸۸، ۲۹۴ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۵، ج ۲، ص ۶۴۴). لذا امید امامیان به «صاحب الامر» بودن برخی از ائمه علیهم‌السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۱، ۳۴۲، ج ۸، ص ۳۴۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۷ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۵) و یا سؤال مکرر شیعیان امامی از امامشان در مورد «صاحب امر» بودن (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۶، ۲۱۵ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۸، ج ۲، ص ۳۷۶) یا «قائم» بودن (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۱۶؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶۱ و خزاز، ۱۴۰۱: ص ۲۶۹) و مانند آن (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۶؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ص ۲۴۲-۲۴۳؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۱۵؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۱۷۷-۱۷۸ و قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۷۹)؛ از همین باب است. اما این‌که نام قائم چه باشد، شاید اهمیت چندانی نداشت. این مسئله از گفت‌وگوی یکی از امامیان با یکی از پیروان نفس زکیه که به سبب نام او به مهدویت وی معتقد شده بود، کاملاً مشخص است. توضیح آن‌که راوی وقتی با اصرار هواخواه نفس زکیه به موضوع مشابهت اسمی مهدی و پدرش با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پدر ایشان مواجه می‌شود، به وی می‌گوید که اگر اسم برای تو مهم است، چرا به سراغ «محمد بن عبدالله بن علی بن حسین» نمی‌روی؟ (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۲۹-۲۳۰) این سخن کاملاً گواه آن است که موضوع نام مهدی برای پیروان ائمه علیهم‌السلام در آن زمان چندان موضوعیتی نداشت.

۲. موضوع دوم به کارکرد «القاب» بازمی‌گردد. القاب در میان اعراب به جای اسم به کار می‌رفت و این در مورد موعود اسلامی اهمیت مضاعفی پیدا کرد؛ زیرا القاب مشهوری همچون «مهدی» و «قائم» برای او در زمان ائمه و در جامعه اسلامی نهادینه شده بود که احتیاج به اسم را کم‌رنگ می‌کرد و اساساً برای صحبت در مورد او به نام بردن از ایشان نیازی نبود. این رویه تا بدان جا بود که گاه شیعیان در مورد مهدی از عنوان «صاحب هذا الامر»؛ یعنی صاحب این امر استفاده می‌کردند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۶، ۲۱۵ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۸، ج ۲، ص ۳۷۶، ۴۰۷)؛ که این، نشان می‌دهد



فضای ذهنی راوی و امام به نقطه مشترکی رسیده و به توضیحات فزون‌تر نیازی نیست؛ علاوه آن‌که ائمه علیهم‌السلام ضمن بی‌اشکال دانستن اشاره به موعود در قالب القاب (خصیبه، ۱۳۷۷: ص ۳۶۴)؛ خود به اصحابشان سفارش می‌کردند که از لقب برای اشاره به امام استفاده کنند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۸-۳۳۳ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۱، ۶۴۸). لذا به کارگیری لقب سبب می‌شد که به مرور، نام اصلی چندان در اولویت نباشد.

۳. عامل سوم به درون مایه حکومت ستیز موضوع مهدی بازمی‌گردد. در توضیح باید گفت که یکی از اصلی‌ترین تنگناهای امامیان سخن گفتن از امام و موعود مصلحی است که قرار است دنیای پر از ظلم را به جهانی پر از عدل تبدیل کند. مهم‌ترین خصیصه مهدی، ظلم‌ستیزی اوست که در روایات متعددی از شیعه و اهل سنت بیان شده است (ر.ک: احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱۷، ص ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۱، ۴۱۶، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۸۱، ص ۶۱، ۶۲، ۲۰۵؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴ و ابی داوود، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۸۳۱، ۱۸۳۲ و در آثار شیعی: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳، ۳۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ج ۲، ص ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۹۴؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ج ۲، ص ۳۴۰، ۳۴۱ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۹، ۱۸۰، ۴۲۵). لذا شاید چندان بی‌راه نباشد اگر بگوییم که سخن از امام موعود، حکومت‌ستیزترین گفتمان شیعه محسوب می‌گردد. بنابراین، طبیعی است که نتوان از نام او به روشنی سخن گفت (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵، ۶۴۷ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۹۰).

به هر رو، باید این را در نظر گرفت که ائمه علیهم‌السلام هنگام سخن گفتن از مهدی، چالش مواجهه با حکومت را پیش‌رو می‌دیدند؛ زیرا بر اساس برخی روایات منسوب به ائمه علیهم‌السلام قرار بود در همان عصر، یعنی همزمان با حکومت‌هایی چون عباسیان، مهدی به قدرت برسد؛ چنان‌که در برخی روایات اختلاف بنی عباس از نشانه‌های حتمی در کنار برخی علائم الظهور شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۳۱۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷-۲۵۸، ۲۶۲، ۲۷۰ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲). یا آن‌که سفیانی - به عنوان یکی از علائم ظهور - را نابودکننده عباسیان دانسته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۸). از همه صریح‌تر آن‌که در برخی روایات چنین آمده است که مهدی، عباسیان را نابود می‌کند (خصیبه، ۱۳۷۷: ص ۲۸۳؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۲۶۶ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۵۴). پس طبیعی است که موضوع اسم مهدی نتواند برای عموم



جامعه امامی به درستی تبیین شود.

توجه به این مطلب ضروری است که مخفی نگاه داشتن نام رهبر مخالفان حکومت، در عصر حضور ائمه، رویه چندان غیرمعمول نبوده است و عباسیان با استفاده از همین تاکتیک، یعنی پنهان نگه داشتن نام و در عوض، دعوت کردن به شخصی نامشخص و در عین حال مورد رضایت همگان، یعنی همان «الرضا من آل محمد»، توانستند موفقیت بزرگی را کسب کنند و تا آخرین روزهای دعوت، کسی بر نام اصلی گردانندگان سازمان دعوت (ر.ک: الله اکبری، ۱۳۸۱: ص ۱۲۵-۱۵۹) آگاهی نیابد. تا آن جا که محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (م ۱۲۵) در توصیه نامه خود به گردانندگان سازمان دعوت عباسی به صراحت به اتخاذ چنین تاکتیکی اشاره کرده است (مجهول، ۱۳۹۱: ص ۱۹۹-۲۰۰).

۴. بر اساس نکته سوم، رویکردی در شیعه نهادینه شد که بعدها با عنوان «حرمت تسمیه» شهرت یافت و در برخی کتاب های حدیثی بابی برای آن در نظر گرفته شد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۷-۱۱۸ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۸). حرمت تسمیه مهدی بدان معناست که نمی توان به نام مهدی تصریح و او با نام اصلی، یعنی «محمد» یاد کرد؛ بلکه باید از القاب حضرت و یا تلفظ اسم او به صورت تقطیع شده، یعنی «م ح م د» بهره گرفت (جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۲۸). این مسئله از دیرباز مورد توجه بوده و برخی از متقدمان همچون صدوق (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۱؛ همان، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۰۷؛ همان: ج ۱، ص ۲۸۵ و همان، ۱۴۱۴: ص ۹۳، ۹۵) و تا اندازه ای کلینی (م ۳۲۹) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۲ - ۳۳۳) و مفید (م ۴۱۳) (مفید، ۱۴۱۳: ص ۷۳ و همان، ۱۴۱۳: ص ۴۴) و بعدها طبرسی (م ۵۴۸) (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۱۳) و البته متأخرانی همچون محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق)، (محمدتقی مجلسی، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۱۵۸ - ۱۵۹) محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۶-۱۸) و به ویژه میرداماد، که کتابی در باب حرمت تسمیه با نام «شرعة التسمیه حول حرمت التسمیه» نگاشته است (ر.ک: میردامادی، ۱۳۹۳: ص ۷۳-۸۶)؛ به این موضوع توجه کرده اند و از این رهگذر کتاب هایی در حرمت و حلیت تسمیه نگاشته شده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۲۸، ج ۱، ص ۲۰۲، ج ۱۴، ص ۱۷۸).

مسئله حرمت تسمیه با هر نوع نگاهی، گویای آن است که نام بردن از مهدی با



محدودیت‌هایی مواجه بوده است. لذا اگر احادیث وارد شده در این موضوع (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۷-۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۸، ۳۳۲-۳۳۳؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ص ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۴ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۷۰، ۳۷۹-۳۸۰، ۳۸۱، ۴۱۱، ۴۸۳-۴۸۲، ۶۴۸)؛ را نیز نپذیریم و یا آن که تعدادی از آنان را به آغاز بحث غیبت مربوط بدانیم (ر.ک: سلیمیان، ۱۳۹۲: ص ۱۶۹-۱۸۹)؛ باز می‌توان چنین برداشت کرد که نام مهدی به آسانی و آشکارا چه از سوی امامیان و چه از سوی شیعیان به کار نمی‌رفت و همین مسئله به پوشیدگی نام مهدی کمک می‌کرد.

۵. نکته پایانی در این بخش به تولد مخفی و پنهان‌کاری‌های بعدی خاندان امامت بازمی‌گردد؛ تا آن جا که جز تعداد اندکی که توانستند امام را در کودکی ببینند. عموم جامعه اساساً از تولد امام با خبر نشدند، تا آن جا که اختلافات بسیاری بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام شکل گرفت و برخی آشکارا از عدم فرزند برای امام سخن می‌گفتند (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۹۶-۱۱۲؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۱۰۲ - ۱۱۶ و قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۵). با چنین وضعیتی که حتی اصل تولد امام برای جامعه صورت روشنی نداشت (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۹)؛ طبیعی بود که نام ایشان هم چندان تصویر واضحی را به خود نگیرد.

با توجه به نکات یاد شده، شاید بتوان گفت که امامیان با توجه به چشمگیر بودن احادیث مشابهت نام مهدی و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رویکرد اهل سنت و غیر امامیان به این موضوع، اجمالاً از این که مهدی یاد شده در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با ایشان همانام بوده و «محمد» نام دارد؛ اطلاع داشتند. اما این، بدان معنا نبود که از قائم یا موعودی که امامیان در انتظار ظهور سریع او بودند با نام «محمد» یاد کنند؛ چنان که سؤال از قائم بودن ائمه علیهم السلام با نام‌های مختلف، چنین مدعایی را اثبات می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۱، ۵۳۶؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۶، ۲۱۵، ۲۱۶؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ص ۲۴۲-۲۴۳؛ منسوب به مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۱۷۷-۱۷۸؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۷۹؛ خزاز، ۱۴۰۱: ص ۲۶۹ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۸، ج ۲، ص ۳۶۱، ۳۷۶).

لذا به نظر می‌رسد که گذشته از «موضوع اثناعشریه» و حتی با پذیرش آن که عموم جامعه و نه خواص آن، از این که قرار است، امام دوازدهم همان مهدی و قائم باشد؛ مطلع بودند؛ باز





نمی‌توان به آسانی ادعا کرد که امام دوازدهم را با نام «محمد» می‌شناختند. توضیح آن که هرچند براساس برخی روایات اشاره شده در ابتدای این بخش، حداقل برخی از خواص و به قولی رازداران امامت (مدرسی، ۱۳۸۶: ص ۱۹۶)؛ از نام امام دوازدهم به عنوان مهدی و قائم مطلع بودند؛ عموم جامعه با توجه به آنچه در مسائل پنج‌گانه قبلی گفته شد، از این مسئله تصویر روشنی نداشتند؛ تا آن‌جا که از ائمه در مورد مهدی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۳؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۹۷ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷) و نام او (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۱، ۲۳۱، ۲۸۸ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۳۳)؛ سؤال می‌کردند و حتی بعد از عصر غیبت، در بخش‌هایی از جامعه شیعه، نام «مهدی» کاملاً روشن و مبرهن نبود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۰ و صدوق، ۱۳۹۵: ص ۷۴-۷۵).

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت که مسئله نام «مهدی» در سده‌های نخست اسلامی با عنایت ویژه‌ای از سوی مسلمانان همراه بوده است و احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که به مشابهت اسمی مهدی با خود اشاره دارند، به مرور مورد توجه گروه‌های مختلف قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، نخستین بار کیسانیان و حسنیان، از این احادیث بهره بردند و همنامی نامزد مهدویت خود با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان شاهی بر حقانیت ادعای خویش دانستند که البته احتمالاً در این زمان بود که متمم‌هایی به «احادیث نام مهدی»، در مورد مشابهت اسمی پدر مهدی با پدر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اضافه شد؛ هرچند بعدها در میان شیعیان غیر امامی، مسئله همنامی مهدی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از اولویت خارج و اهمیت آن با ظهور نامزدهای مهدوی با اسامی غیر از محمد کم‌رنگ شد.

از سوی مقابل، عباسیان نیز با معرفی «محمد بن عبدالله منصور» که با لقب مهدی همراه شد، به اهمیت موضوع نام مهدی در سده دوم هجری دامن زدند؛ درحالی‌که قبل از آن، در میان عامه مسلمانان نام مهدی لزوماً «محمد» نبود و نامزدهای قبلی اسم‌های دیگری داشتند. به هر رو، اهتمام به نام «محمد» سبب شد که در اعتقاد امروزی جامعه اهل سنت، مهدی موعود از نسل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همنام با ایشان باشد.



برخلاف دو جریان قبلی، امامیان در این زمان، بر نام «مهدی» تأکید خاصی نداشتند. آن‌ها طبعاً و به اجمال از همنامی مهدی موعود با پیامبر ﷺ خیر داشتند؛ اما به دلیل برخورداری از امام حاضر و احتمالاً گره زدن مهدی به آخرالزمان، اهمیت چندانی به مسئله نام ندادند و به دنبال مصداقی برای مهدی با نام «محمد» نبودند؛ بلکه امید آنان به قیام یکی از ائمه بود که فرج جامعه شیعه را محقق کند که طبعاً چندان مهم نبود که چه نام داشته باشد.

بایسته گفتن است که جوهر حکومت ستیز مهدویت و رویکرد ائمه علیهم‌السلام در پنهان نگاه داشتن اطلاعات مربوط به مهدی که با مسائلی چون حرمت تسمیه و بهره‌گیری از القاب رخ می‌نمود؛ سبب می‌شد که عموم شیعیان، در مورد نام مهدی از اطلاعات چندان دقیقی برخوردار نگشته و تا عهد غیبت هم با ابهاماتی در این زمینه روبه‌رو باشند. تأکید دوباره بر این موضوع ضروری است که حرکت جامعه شیعه از ابهام به سوی وضوح بدان معنا نخواهد بود که در اصل مکتب تغییر و تطوری رخ دهد؛ بلکه موضوع نام مهدی و تبار دقیق او و دیگر مشخصات ایشان، از همان ابتدا برای ائمه علیهم‌السلام و شاید اصحاب خاص آن‌ها روشن و واضح بود.

## منابع

۱. آژند، يعقوب (۱۳۶۴). **قيام زنگيان**، تهران، اميركبير.
۲. آقابزرگ تهراني، محمد محسن (۱۴۰۳ق). **الذريعة إلى تصانيف الشيعة**، محقق: احمد بن محمد حسيني، بيروت، دارالأضواء.
۳. ابن ابى شيبة، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق). **المصنف في الاحاديث والآثار**، محقق: كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد.
۴. ابن اثير، علي بن محمد (۱۳۸۵ق). **الكامل في التاريخ**، بيروت، دار صادر.
۶. ابن بابويه، علي بن حسين (۱۴۰۴ق). **الإمامة والتبصرة من الحيرة**، محقق: مدرسه امام مهدي عنه السلام قم، مدرسة الإمام المهدي عنه السلام.
۶. ابن بدر الدين، حسين (۱۴۲۲ق). **ينابيع النصيحة في العقائد الصحيحة**، محقق: مرتضى محطوري، صنعاء، مكتبة البدر.
۷. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي (۱۴۱۲ق). **المنتظم في تاريخ الأمم والملوك**، محقق: محمد عبدالقادر عطا ومصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
۸. ابن حبان، محمد (۱۴۱۴ق). **صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان**، محقق: شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرساله.
۹. ابن حماد، نعيم بن حماد (۱۴۲۳ق). **الفتن**، محقق: مجدى بن منصور الشورى، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۰. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، محقق: عبدالله بن عبدالمحسن تركي وديگران، بيروت، مؤسسة الرساله.
۱۱. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق). **الطبقات الكبرى**، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۲. ابن سيده، علي بن اسماعيل (بي تا). **المخصص**، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۳. ابن عساکر، علي بن حسن (۱۴۱۵ق). **تاريخ مدينة دمشق**، محقق: علي شيري، بيروت، دارالفكر.
۱۴. ابن عنبه حسني، احمد بن علي (۱۴۱۷ق). **عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب**، قم، انصاريان.
۱۵. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸ق). **عيون الأخبار**، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۶. ابن مسكويه الرازي، ابو علي (۱۳۷۹). **تجارب الأمم**، محقق: ابوالقاسم امامي، تهران، سروش.
۱۷. ابن منادي، احمد بن جعفر (۱۴۱۸ق). **الملاحم**، محقق: عبدالكريم عقيلي، قم، دارالسيهر.

۱۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (بی تا). *مقاتل الطالبیین*، محقق: سیداحمد صفر، بیروت، دارالمعرفه.
۱۹. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). *تاریخ اصبهان، ذکر اخبار اصبهان*، محقق: سیدحسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۰. ابی داوود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق). *سنن ابی داوود*، محقق: سید محمد سید و دیگران، قاهره، دارالحدیث.
۲۱. احمد العلی، علی بن محمد (۲۰۰۶م). *صاحب الزنج و دولته المهوره*، بیروت، دارالمدار الإسلامی.
۲۲. احمدی، یاسر عبدالرحمن (۱۴۳۱ق). *ملاحم آخر الزمان عند المسلمین و اهل الكتاب و آثارها الفکریه*، ریاض، مجلة البیان.
۲۳. اسفرائینی، ابوالمظفر (بی تا). *التبصیر فی الدین*، محقق: محمدزاهد کوثری، قاهره، المكتبة الأهرية للتراث.
۲۴. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (۱۹۸۰م). *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، محقق: هلموت زیتیر، ویسبادن (آلمان)، فرانس شتاینر.
۲۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). *المقالات و الفرق*، محقق: محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. الله اکبری، محمد (۱۳۸۱). *عباسیان از بعثت تا خلافت*، قم، بوستان کتاب.
۲۷. بارانی، محمدرضا (زمستان ۱۳۹۶). «*بازخوانی مهدی انگاری زید بن علی؛ بسترناسی و فرایندشناسی*»، تاریخ اسلام، ش ۷۲.
۲۸. برادران، رضا و دیگران (زمستان ۱۳۹۵). «*بررسی تحلیلی رویکردهای امویان به مسئله مهدویت*»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۲۴.
۲۹. برادران، رضا و محمدرضا بارانی (زمستان ۱۳۹۷). «*بررسی تحلیلی مؤلفه های مهدی باوری زیدیان در قرن سوم هجری*»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۳۳.
۳۰. برقی، احمد بن محمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*، محقق: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. بزار، احمد بن عمرو (۱۹۸۸م). *مسند البزار (البحر الزخار)*، محقق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه، مكتبة العلوم والحکم.
۳۲. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم (۱۹۹۹م). *المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة وأقوال العلماء وآراء الفرق المختلفة*، مکه مکرمه، المكتبة المکیه.

۳۳. بَسَوَى/فَسَوَى، يعقوب بن سفيان (۱۴۰۱ق). *المعرفة والتاريخ*، محقق: اكرم ضياء العمري، بيروت، مؤسسة الرسالة.
۳۴. بلاذري، أحمد بن يحيى (۱۴۱۷ق). *انساب الأشراف*، محقق: سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دارالفكر.
۳۵. تجليل تبريزي، ابوطالب (۱۴۲۵ق). *من هو المهدي* عليه السلام، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۶. جزائري، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق). *رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار*، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي.
۳۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *مهديان دروغين*، تهران، انتشارات علم.
۳۸. جوهری، اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية*، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دارالعلم للملایین.
۳۹. حمیری، ابوسعید بن نشوان (۱۹۷۲م). *الحوار العین*، محقق: کمال مصطفی، تهران، بی نا.
۴۰. خانی، مجتبی (زمستان ۱۳۹۸). «بازنمایی روایات صریح بخاری با یادکرد نام مهدي موعود در تاریخ الكبير و بررسي سندی آن»، پژوهش های مهدوی، ش ۳۱.
۴۱. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر*، محقق: عبداللطيف حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
۴۲. خصیبي، حسین بن حمدان (۱۳۷۷). *الهداية الكبرى*، بيروت، مؤسسة البلاغ.
۴۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد، أو، مدينة السلام*، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالکتب العلمیة.
۴۴. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ق). *المناقب*، محقق مالک محمودی، قم، موسسه نشر اسلامي.
۴۵. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۱۶ق). *السنن الواردة في الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها*، محقق: ضياء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، رياض، دار العاصمة.
۴۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۰ق). *محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلاغ*، محقق: عمر فاروق، بيروت، شركة الأرقم بن ابی الأرقم.
۴۷. زبیری، مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹م). *كتاب نسب قریش*، محقق: اوریست لوی پروانسال، قاهره، دارالمعارف.
۴۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۹۶م). *الفائق في غريب الحديث*، محقق: ابراهيم شمس الدين، بيروت، دارالکتب العلمیة.

۴۹. سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، محقق: محمد انصاری زنجانی، قم، الهادی.
۵۰. سلیمان، خدامراد (بهار ۱۳۹۲). «*تحلیل حدیث شناسانه حکم نام بردن حضرت مهدی علیه السلام به محمد*»، مشرق موعود، ش ۲۵.
۵۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۴ق). *اعتقادات الإمامیه*، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، محقق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۵۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۵۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، محقق: محسن کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۵۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق). *المعجم الكبير*، محقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبه العلوم والحکم.
۵۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، محقق: موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، آل البيت علیهم السلام.
۵۷. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷م). *تاریخ الأمم والملوک*، محقق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
۵۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة (کتاب الغیبة للحجه)*، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامیه.
۵۹. عالمی، محمدرضا و نعمت الله صفری فروشانی (زمستان ۱۳۹۵). «*مفهوم شناسی اصطلاح امامیه*»، نقد و نظر، ش ۸۴.
۶۰. عقیفی، عبدالرزاق (۱۹۹۹م). *فتاوی و رسائل عبدالرزاق العقیفی*، محقق: ولید بن ادریس بن منسی و سعید بن صابر بن عبده، ریاض، دارالفضیله.
۶۱. عمر، فاروق (بهار ۱۳۹۳). «*فرهنگ مهدویت در القاب خلفای عباسی*»، مترجم: غلامحسن محرمی، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۱.
۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه.



۶۳. فرمانیان آرانی، مهدی و حامد قرائتی (تابستان ۱۳۹۳). «گونه شناسی کارکردی مفهوم مهدویت با تکیه بر گزارشات تاریخی»، مشرق موعود، ش ۳۰.
۶۴. فقهی زاده، عبدالهادی و سیدجعفر صادقی (بهار ۱۳۹۳). «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، مشرق موعود، ش ۲۹.
۶۵. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن عبدالجبار بن احمد (۲۰۰۶م). تثبیت دلائل النبوه، محقق: عبدالکریم عثمان، قاهره، دارالمصطفی.
۶۶. قاضی نعمان، محمد بن حیون (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، محقق: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، محقق: محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
۶۸. قاضی، وداد (۱۹۷۴ق). الکیسانیه فی التاریخ و الادب، بیروت، دار الثقافة.
۶۹. کاشف الغطاء، شیخ جعفر (۱۴۲۵ق). العقائد الجعفریه، محقق: سیدمهدی شمس الدین، قم، مؤسسه انصاریان.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۷۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۷۲. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقرانی (شرح فقیه)، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۷۳. مجهول (۱۳۹۱ق). أخبار الدولة العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده، محقق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت، دارالطلیعه.
۷۴. محمداف، قدیر (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت از دیدگاه اسماعیلیه و امامیه، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۷۵. مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۶). مکتب در فرایند تکامل، مترجم: هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
۷۶. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر، محقق: اسعد داغر، قم، دارالهجره.
۷۷. منسوب به مسعودی (۱۳۸۴). إثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، قم، انصاریان.

۷۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق. الف). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، محقق: موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۷۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق. ب). *الفصول العشرة فی الغیبه*، محقق: فارس تبریزیان، قم، دارالمفید.
۸۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق. پ). *الفصول المختاره*، محقق: علی میرشریفی و دیگران، قم، دارالمفید.
۸۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق. ت). *النکت الاعتقادیه*، قم، کنگره شیخ مفید.
۸۲. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). *البدء والتاریخ*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینییه.
۸۳. موسسه معارف اسلامی (۱۴۲۸ق). *معجم احادیث الإمام المهدي علیه السلام*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۸۴. موسوی زنجانی، سید ابراهیم (۱۴۱۳ق). *عقائد الإمامیه الإثنی عشریه*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۸۵. مویدی، مجدالدین بن محمد (۲۰۰۷م). *التحف شرح الزلف*، قم، کتابخانه مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی.
۸۶. میردامادی، سید مجتبی (زمستان ۱۳۹۳). «*حرام بودن یا جواز نام بردن حضرت مهدی علیه السلام به نام «محمد» (بررسی دودیدگاه حکیم میرداماد و شیخ حر عاملی قدس سرهما)*»، مشرق موعود، ش ۳۲.
۸۷. ناصری، ریاض محمد حبیب (۱۴۰۹ق). *الواقفیه دراسة تحلیلیه*، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۸۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
۸۹. نویختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق). *فرق الشیعه*، قم، دارالاضواء.